

بقعه ۷ دختر جنگاور از سلاله پاکان

کوچه رهگذران گریان

موقعیت:
خیابان
کنسولگری، محله
اودلاجان

موضوع:
کوچه
مردده شور
خانه

روزی نبود که صدای گریه و مویه زنان از کوچه شنیده نشود. مردان تابوت چوبی را به دوش گرفته و از درهای مرده شور خانه معروف اودلاجان راهی قبرستان می شدند.

کوچه‌ای که این روزها به نام کنسولگری معروف است روزگاری در انتهای خود یکی از قدیمی ترین غسالخانه‌های تهران را جای داده بود. نصرالله حدادی، تهران پژوه می گوید: «این کوچه به واسطه غسالخانه‌ای که در انتهای آن قرار داشت به کوچه مرده شور خانه معروف بود. سابقا در هر محدوده‌ای از شهر غسالخانه‌ای وجود داشت و اهالی محله‌های مختلف برای غسل میت از آن استفاده می کردند. غسالخانه اودلاجان هم غسالخانه‌ای عمومی بود و نه تنها مسلمانان بلکه کلیه‌ای هم از آن استفاده می کردند.»

باغ و عمارت حسن میرزا، امین دربار، نیز در این کوچه قرار داشت و یکی از معروف ترین کوچه‌های محله اودلاجان بود. رحیم طوبایی، از معتمدین محله می گوید: «در بقعه پیر عطا قبرستان کوچکی بود که در سالیان بسیار دور به عنوان قبرستان محله از آن استفاده می شد. البته این محل، عمومیت نداشت و اکثر مردم مردگان خود را به قبرستان‌های تهران همچون قبرستان مسگر آباد می بردند.

در مرده شور خانه اودلاجان مرده را غسل می دادند و بعد به قبرستان می بردند.» آن روزها مراسم کفن و دفن و ختم‌ها همچون امروزه بزرگ و تجملاتی نبود. بعد از دفن میت، بیشتر اهالی به خانه صاحب‌عزا می رفتند و حتی برای عرض تسلیت غذا هم می پختند تا خانواده متوفی مجبور به آشپزی نشود.



طوبایی در ادامه می گوید: «قبرستان قدیمی محله اودلاجان که در نزدیکی بقعه پیر عطا قرار داشت قبل از سال ۱۳۳۰ به فضایی مخروبه با سنگ‌قبرهایی شکسته تبدیل شده بود و به مرور به محل رها کردن زباله و نخاله مبدل شد. همین امر باعث شد تا مردی به نام مصطفی نجات این قبرستان را به زور خانه تبدیل کرد و سال ۱۳۳۲ به نام زور خانه نجات میزبان پهلوانان محله اودلاجان شد. بعد از مرگ مصطفی نجات مرحوم حاج محمود همایون صفت، معروف به محمود قزوینی، چراغ این زور خانه را روشن نگاه داشت. متأسفانه بعد از محمود قزوینی زور خانه دیگر رونق گذشته را پیدا نکرد و درهای بسته شد و ورثه آنجا را فروختند.»



امامزاده روح الله



امامزاده هفت دختر



قبرستان اسحاق

این امامزاده با کاشی آبی فرش شده و دیوارهای آن آجری است. اتاق این امامزاده با انواع تابلوفرش، کتیبه و تابلوهایی با مضامین مذهبی تزئین شده است. همچنین یکی از قدیمی ترین آثار تاریخی در این بقعه متبرکه لوح کاشی کاری کوچکی به تاریخ ۱۳۱۱ هجری قمری است. علاوه بر این بخشی از زمین وقفی آن نیز در اختیار ساختمان مخابرات است.

امامزاده هفت دختران: درباره این امامزاده دو روایت نقل شده است. در روایت اول این بقعه را آرامگاه دختران امام موسی کاظم می دانند که آنها را به بهانه ولایت ری دعوت می کنند و در تهران به شهادت می رسانند. روایت دوم هم مربوط به ماجرای هفت دختر ایرانی است که در جنگ با ترکمن‌ها لباس مردانه می پوشند و پس از کشته شدن، جنسیتشان مشخص می شود و در محله اودلاجان به خاک سپرده می شوند. در فضای امامزاده، یک اتاق حدوداً ۶ متر قرار دارد. قبر این ۷ دختر در سرداب بقعه قرار گرفته که به جای ضریح یک قبر گرانیتی در آن وجود دارد و روی آن با پارچه سبزرنگی پوشانده شده است. بنابه گفته اهالی، این مکان به مرور تبدیل به زیارتگاه شده است.

ناشناخته بودن این آرامگاه اهالی محله هستند. **امامزاده روح الله:** این زاده پاک خاندان پیامبر (ص) از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) است که اوایل قرن دهم هجری به شهادت می رسد و پیکر پاکش در همین مکان آرام می گیرد. اما قدمت ساخت بنای بقعه سال ۱۲۲۲ شمسی است. اصل بقعه در دریاچه‌ای کنار دیوار شرقی که منتهی به سرداب است، قرار گرفته است. محل زیارت، اتاق کوچکی است که وسط آن ضریح چوبی زیبایی وجود دارد. کف سرداب

یکی از مهم ترین ویژگی‌های محله اودلاجان وجود بقعه‌های متبرکه است که این محله را به یکی از قطب‌های دینی و زیارتی در تهران قدیم تبدیل کرد. در اینجا به روایت مهرشاد کاظمی نگاهی داریم به موقعیت و هویت تعدادی از این بقعه‌های متبرکه.

امامزاده اسحاق: محلی‌ها به این امامزاده قدمگاه چهارده معصوم می گویند. اینجا آرامگاه یکی از نوادگان امام موسی کاظم است که زمانی ولایت ری را بر عهده داشت. قدمت این امامزاده به قرون هشتم و نهم هجری می رسد. این سلاله پاک خاندان پیامبر (ص) در شمیران به شهادت رسید و پیکر پاکش در محله اودلاجان به خاک سپرده شد. مساحت کل بنای این امامزاده کوچک ۲۰ مترمربع است. داشتن صحن، کوچک بودن بنا و نداشتن گنبد و گلدسته وجه تمایز این بقعه متبرکه نسبت به سایر اماکن زیارتی است. اغلب زائران به دلیل

درس و بحث در یک محله اصیل

محله اودلاجان در تهران قدیم به دلیل سکونت چهره‌های سرشناس سیاسی و فرهنگی یکی از قطب‌های علمی و فرهنگی شهر تهران محسوب می شد. به همین دلیل مدارس و حوزه‌های علمیه معتبری در این محله ساخته شد. علیرضا زمانی، تهران پژوه، از تعدادی از آنها یاد می کند.

مدرسه میرزا صالح: این مدرسه این روزها به مسجد پامنار معروف است، اما در روزگاری که تهران قریه کوچکی در همسایگی ری بود به جای این مسجد، مسجد حضرت خدیجه (س) و پیش تر از آن هم مسجد و مدرسه میرزا صالح قرار داشت. قدمت بنای این مدرسه و مسجد به دوره صفویان می رسد.

مدرسه میرزا صالح از مدرسه‌های دوره ناصری بود. در آن دوره آیت الله زین العابدین هزار جریبی و میرزا عبدالرحیم نامی در مدرسه میرزا صالح تدریس می کردند. همچنین براساس نوشته کنت ژولین دوروشوار، مدرسه میرزا صالح در دوره ناصری، ۲۰ حجره، ۳۰ طلبه و یک کرسی فلسفه داشت. از مهم ترین

طلبه‌های مدرسه میرزا صالح، شیخ آقابزرگ تهرانی و... بودند. این مدرسه به دلیل فرسوده شدن در دوره پهلوی دوم از رونق افتاد. آیت الله میرزا محمد تقی، پدر همسر امام خمینی (ره) مسجد جدیدی را در بخش جنوبی این بنا ساخت و جای مدرسه قدیم هم مدرسه ابتدایی انصاریه را ساخت.

مدرسه مروی: مدرسه مروی با فخریه سال ۱۱۹۵ شمسی بنا شد. بانی ساخت این مدرسه محمدحسین خان، معروف به خان مروی، از بزرگان طایفه قاجار بود. نقشه این مدرسه مشابه مساجد چهار ایوانی دارای حیاطی با ایوان‌های احاطه شده است. مدرسه در واقع از دو مدرسه کوچک و بزرگ تشکیل شده است. مدرسه کوچک در ضلع جنوب غربی مدرسه بزرگ قرار دارد و کمی قبل تر از مدرسه بزرگ بنا شد. صحن این مدرسه مستطیل و دارای طول شمالی است و شامل حجره‌ها، یک کتابخانه، چند باغچه و یک حوض



بزرگ در وسط حیاط می شود. مدرسه ۳۴ حجره سنتی و هشت حجره تازه‌ساز دارد. تزئینات کاشی کاری با کتیبه‌ها، اشعار عالمانه و نام فتحعلی شاه و خان مروی زینت بخش دیوارهای شمالی مدرسه است. خان مروی کلنگ مدرسه و مسجد مروی را زد و آن را برای طلاب علوم دینی وقف کرد تا همراه درآمدها بین طلاب ساکن مدرسه تقسیم و مازاد آن را برای خرید کتاب‌های روایی و فقهی هزینه شود. در طول سال‌ها، با تغییر متولیان مدرسه، مدام بر وقایع افزوده شد. بیشتر متولیان این مدرسه از مجتهدان طراز اول بودند که نقش‌های اجتماعی و سیاسی مهمی بازی کردند. برای مثال، صدر اعظم شاه در زمان انقلاب مشروطه برای آرامش بخشیدن به اوضاع، تولیت مدرسه مروی را عوض می کرد. حاج میرزا مسیح تهرانی و حاج ملاعلی کنی از متولیان معروف این مدرسه بودند. در زمان پهلوی دوم این مدرسه به دبستان و دبیرستان تبدیل شد. اما پس از انقلاب اسلامی دوبار ماهیت حوزوی پیدا کرد.



همچنین مدرسه مستوفی نظام در شرق محله سر تخت، مدرسه سعدالملک در جنوب محله سادات از دیگر مدارس محله اودلاجان بودند که به مرور زمان تخریب شدند.